

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز تحت عنوان :
An Approach to the Traditional Function of Kalmakare Cave
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

رهیافتی بر کارکرد آیینی غار کلماکره*

محمد کلهر**

استادیار دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد واحد یادگار امام خمینی(ره) شهر ری، ایران.

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۲/۰۹ تاریخ اصلاح: ۹۷/۰۳/۱۵ تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۴/۳۱ تاریخ انتشار: ۹۷/۱۱/۲۴

چکیده

با کشف غار کلماکره در پاییز ۱۳۶۸ اشیای باستانی مکشوفه آن اندک‌اندک زینت‌بخش موزه‌های ملی ایران، فلک‌الافلاک، ایلام و تبریز در داخل کشور و موزه‌های لوور، بریتانیا، متروپولیتن نیویورک، میهوی توکیو و مجموعه‌های خصوصی در خارج از مرز شد. در حجم گسترده اشیای سیمین و زرین منسوب به کلماکره، ظرافت، هنر و فن‌آوری‌های بی‌بدیل به کار رفته و اشیای مزبور که پیشینه‌ای به ژرفای حکومت محلی شاهکان ناشناخته ساماتوره در عصر ایلام نو- قرون ۸ و ۷ ق. م. دارند باعث شد تا کلماکره مورد توجه ویژه باستان‌شناسان و مورخان قرار گیرد. کما این که ایشان گنجینه کلماکره را ششمین گنجینه بزرگ جهان نامیدند. رویکرد اصلی این پژوهشگران پیرامون خوانش کتیبه‌های منقور بر اشیاء، معرفی ظروف، مجسمه‌های انسانی و حیوانی سیمین و صورتک‌های زرین و تحلیل مفهومی نقش‌مایه‌های نمادین و اساطیری کلماکره بوده است. این پژوهش بر آن است تا ضمن بهره‌مندی از روش تاریخی - تحلیلی با تکیه بر وجه تسمیه علمی کلماکره به رهیافت جدیدی در خصوص کاربری فضای درون و برون غار دست یابد تا مشخص شود که کلماکره بنا بر فرضیات پژوهشگران، محل نگهداری گنجینه شاهکان محلی ساماتوره یا شاهان هخامنشی بوده؟ یا این که غار کلماکره با توجه به جغرافیای انسانی، کارکردی آیینی از نوع میتراثیسم داشته است پژوهش حاضر نخستین گام در این وادی خواهد بود. از این رو اثبات فرضیه مهرآئینی غار کلماکره نیاز به تأملی ژرف با نگرشی از نوعی دیگر دارد. بنابراین بهتر است این پژوهش را به عنوان جستاری در مبادی طرح مسئله کارکرد آیینی غار کلماکره تلقی کرد.

واژگان کلیدی

کلماکره، غارهای آئینی، آئین مهر، پل دختر.

مقدمه

و مهمترین گزارش از موقعیت جغرافیایی غار و توصیف درون غار بود. سپس «میرعابدین کابلی» در مقاله «بررسی آثار پیش از اسلام در مجموعه باز یافته» که در نشریه میراث فرهنگی در پاییز ۱۳۷۰ منتشر شده به توصیف مجموعه‌ای از اشیای کلماکره پرداخت. متعاقب وی «نصرت‌الله معتمدی» گزارشی از غار و اشیای مربوط به آن در زمستان ۱۳۷۲ در نشریه میراث فرهنگی ارائه داد. گزارش معتمدی به علت اقدامات تخریبی قاچاقچیان

تالوای اشیای سیمین و زرین کلماکره، پژوهشگران را بر آن داشت تا هریک بنابر علاقه و تخصص خود، گوشه‌ای از زوایای پنهان کلماکره را آشکار کنند. گزارش «حسین غضنفری» در پاییز ۱۳۶۸ از غار کلماکره که در نشریه اثر منتشر شد، اولین

۳۵ کیلومتری جنوب غربی مرکز شهرستان کوهدشت واقع شده است (فرهنگ جغرافیایی کوه‌های کشور، ۱۳۷۹: ۲/۲۴۶). این کوه در شمال رود کشکان قرار دارد با رشته کوه قاشاب، شمال شرقی درهٔ سیمره را تشکیل داده است. بهترین مسیر دستیابی به غار کلماکره، از طریق پل دختر به روستای کاوه کالی و سپس به روستاهای دره‌باغ است (پرویز، ۱۳۸۵: ۱۱۱). روستاهای دره‌باغ شامل دو روستا به نام‌های دره‌باغ محمدحسین و دره‌باغ دوم است. دره‌باغ محمدحسین و دره‌باغ دوم جزو دهستان آفرینه، بخش ملای شهرستان خرم‌آباد، به ترتیب در ۴۵ و ۴۶ کیلومتری شمال شرقی پل دختر واقع شده‌اند (فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های کشور، ۱۳۷۵: ۵۷/۲۱۴). مدت زمان رسیدن به غار از طریق روستاهای دره‌باغ محمدحسین حدود دو ساعت پیاده‌روی و کوه‌نوردی در کوه مله است. غار کلماکره در ۵۵۰ متری سطح دشت و نزدیک خط‌الرأس در میان صخره‌ها قرار دارد. برای رسیدن به دهانهٔ غار نیاز به یک فرود ۱۵ متری از بالای غار است (غضنفری، ۱۳۶۸: ۶، محمدی‌فر، ۱۳۸۶: ۴۹۲). بنابراین دسترسی به فضای دهانهٔ غار بدون امکانات فنی کوه‌نوردی بسیار دشوار است (پرویز، ۱۳۸۵: ۱۱۱)، (تصویر ۱ و ۲).

بررسی روایات کشف غار کلماکره

جستار پیرامون چگونگی کشف غار کلماکره یکی از مباحث بسیار قابل تأمل است که متأسفانه کمتر مورد بررسی و نقد قرار گرفته است. وجه اشتراک روایات پژوهشگران مزبور که به یگانه روایت رسمی چگونگی کشف غار تبدیل شده است، همانا کشف اتفاقی غار کلماکره توسط یک شکارچی محلی به نام عزیزگاوکش در پاییز ۱۳۶۸ است (پرهام، ۱۳۹۲: ۱۱۲). بررسی و نقد حسین بیرانوندی با کاشف غار می‌تواند راه‌گشای

در درون غار که بین سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۲ صورت گرفته بود، نسبت به گزارش غضنفری از اهمیت کمتری برخوردار است. مقالهٔ «احمد پرویز» در گزارش‌های باستان‌شناسی مجموعه مقالات همایش بین‌المللی باستان‌شناسی ایران که در ۱۳۸۵ در کرمانشاه برگزار شد به معرفی ظروف نقره‌ای طلاکوب کلماکره اختصاص پیدا کرد. علاوه بر گزارش‌های توصیفی مزبور، می‌توان به پژوهش‌های ذیل اشاره کرد.

ابتدا «رسول بشاش» با خوانش کتیبه‌های منقور بر ظروف کلماکره گامی بزرگ در جهت کشف این ظروف پر رمز و راز برداشت و سلسلهٔ ناشناخته شاهکان سامانوره را به پژوهشگران معرفی کرد. با انتشار کتاب «حسین بیرانوندی»، اولین کتاب مستقل در خصوص کلماکره در سال ۱۳۹۱ گامی اساسی در زوایای پنهان چگونگی کشف غار برداشته شد.

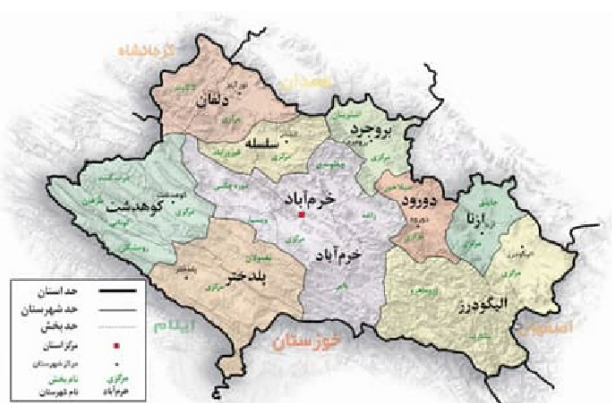
مصاحبهٔ بیرانوندی با عزیز گاوکش کاشف غار، از اهمیت بسزایی برخوردار و بسیار در خور تأمل است. در مجموعه مقالات پژوهشی «لیلا خسروی» که مأخوذ از پایان‌نامه‌های کارشناسی‌ارشد و دکتری وی است و با عنوان گنجینه کلماکره در سال ۱۳۹۲ توسط میراث فرهنگی منتشر شد؛ به معرفی و تحلیل فرم و کاربری ظروف سیمین و صورتک‌های زرین آثار درون مرز و برون مرز پرداخته شده است.

مقالهٔ «سیروس پرهام» با عنوان «ناگفته‌هایی از گنجینهٔ باستانی غار کلماکره» که در تیر ۱۳۹۲ در نشریهٔ بخارا منتشر شد، نقدی علمی و در خور تأمل بر برخی مطالب غیرعلمی در خصوص کلماکره محسوب می‌شود.

تمرکز و توجه ویژهٔ پژوهشگران مزبور، پیرامون چگونگی کشف غار، خوانش کتیبه‌های منقور بر ظروف، معرفی و تحلیل اشیاء و قصهٔ پر غصهٔ تاراج گنجینه کلماکره بوده است. مهمترین مسئله‌ای که در خصوص غار کلماکره کماکان لاینحل باقی‌مانده، همانا موارد کاربری این غار است و این امر به جز دقت در خصوص گستره آئینی پیرامون این مکان میسر نمی‌شود.

موقعیت جغرافیایی غار کلماکره

غار کلماکره در ۱۳ کیلومتری شمال غرب شهر پل دختر واقع است (پرویز، ۱۳۸۵: ۱۱۱) با آنکه این غار در ۵ کیلومتری غرب پل دختر است، اما امروزه جزو بخش رومشکان از توابع شهرستان کوهدشت است (بیرانوندی، ۱۳۹۱: ۱۳ و ۸). غار کلماکره در شمال شرقی روستای دره باغ روی دامنهٔ ارتفاعات جنوبی کوه مله واقع شده است (پرویز، ۱۳۸۵: ۱۱۱). کوه مله (meleh kuh) با ارتفاع ۱۶۹۳ متر در محدودهٔ شهرستان کوهدشت بخش رومشکان، دهستان روشکان شرقی و در



تصویر ۱. نقشهٔ استان لرستان. مأخذ: Safarneviss.com

رسمی یکی در پاییز ۱۳۶۸ و دیگری در سال ۱۳۷۲ وارد غار شدند که گزارشات این هیئت‌ها را حسین غضنفری و نصرت‌الله معتمدی ارایه داده‌اند.

شگفتی ناشی از ظرافت و حجم وسیع اشیای کلماکره، چگونگی کشف غار را تحت‌الشعاع قرار داد و در حاله‌ای از ابهام فرو برد که این‌ها حسین بیرانوندی که بخش اعظم پژوهش خود را به مصاحبه با عزیز گاوکش اختصاص داده است. بدون رویکرد انتقادی به اظهارات عزیز گاوکش می‌نویسد: «غار کلماکره در سال ۱۳۵۰ توسط یک شکارچی محلی شناسایی و در ۱۳۶۸ به صورت جالبی کشف شد» (همان: ۸).

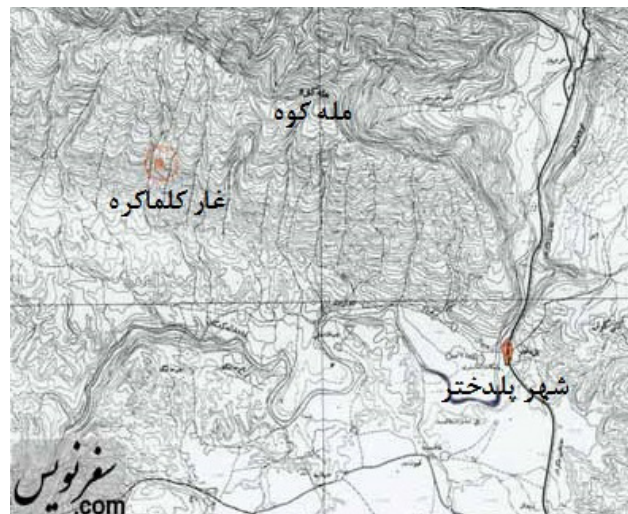
عدم پیگیری عزیز گاوکش در بازه زمانی نه چندان کوتاه هجده ساله مورد ادعایش، چندان به واقعیت نزدیک نمی‌کند. از این‌رو به نظر می‌رسد حرمت کلماکره به صورت اسطوره‌ای در ژرفای زمان در میان طایفه گاوکش نهفته بوده است.

اگر چه عده‌ای بنابر موقعیت ویژه دهانه غار که پیشانی آن یک متر و نیم جلوتر از دهانه غار بوده را عامل پنهان ماندن آن از دیدگاه رهگذران قلمداد کرده‌اند (غضنفری، ۱۳۷۶: ۲۶) اما نام‌گذاری شیب تند دهانه غار به «قوه غلامرضا» (غضنفری، ۱۳۶۸: ۷) دلیلی بر فرضیه آگاه‌بودن طایفه گاوکش بر وجود غار کلماکره است!

بررسی فرضیات کارکرد غار کلماکره

بررسی و مذاقه در خصوص وجه کاربری غار کلماکره به‌سان چگونگی کشف غار، کمتر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. هیئت میراث فرهنگی بعد از بازدید از غار سه وجه کاربری: دفن و خاک‌سپاری، اقامت کوتاه و انبار و ذخیره‌سازی برای غار ارایه داد (پرویز، ۱۳۸۵: ۱۱۳؛ بیرانوندی، ۱۳۹۱: ۸۴). البته معتمدی مسئله کاربری تدفین در غار را منتفی و مغایر با آیین تدفین در نیمه دوم هزاره اول ق. م قلمداد کرده است (معتمدی، ۱۳۷۲: ۷). به جز حسین غضنفری که اولین گزارش از غار را در سال ۱۳۶۸ ارایه داده است،^۲ مابقی همگی بر کاربری کلماکره به عنوان محل گنجینه تأکید کرده‌اند. معتمدی و ایزدپناه معتقدند کلماکره قسمتی از گنجینه شاهان هخامنشی بوده است که هنگام یورش اسکندر جهت جلوگیری از تاراج وی، از کاخ‌های تخت جمشید و شوش به این غار منتقل و پنهان شده است (معتمدی، ۱۳۷۲: ۱۰؛ ایزدپناه، ۱۳۷۶: ۳/۲۶).

با خوانش کتیبه‌های منقور بر ظروف سیمین کلماکره و هویداشدن سلسله شاهکان ساماتوره، نگره جدیدی پدیدار شد. بیرانوندی، پرهام و خسروی با نقد فرضیه فوق، کلماکره را گنجینه شاهکان ساماتوره قلمداد کردند. ایشان معتقدند که واپسین حکمران سَمَتی احتمالا «اون ساک» از پی



تصویر ۲. نقشه غار کلماکره. مأخذ: Safarnews.com

مناسبی در این خصوص باشد. عزیز گاوکش مدعی است که در سال ۱۳۵۰ که به اتفاق عمویش قنبر گاوکش برای شکار بزکل به کوه مله رفته بود، در تعقیب چند بزکل از وجود مغاکی در دل کوه آگاه می‌شود که بزها به داخل آن رفته‌اند. علی‌رغم اصرار عزیز مبنی بر تعقیب بزهای کل، عمویش بدو توجهی نکرده اما یادآور شده که «این سوراخ کلماکره است» (بیرانوندی، ۱۳۹۱: ۳۲ و ۳۱). اظهار نظر «قنبر گاوکش» مبنی بر آگاهی وی از مکان و نام غار بوده است که در مبحث وجه تسمیه مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

در سال ۱۳۵۲ عزیز و قنبر که در تعقیب سه بزکل بوده‌اند، به کشف غار نایل می‌شوند. عزیز مدعی است که وارد غار شده و شاهد مجموعه‌ها و کوزه‌های شکسته بوده است (همان: ۳۳ و ۳۲) وی همچنین از ورود قنبر به غار در سال ۱۳۵۳ و کشف تعدادی کوزه خبر داده است (همان: ۳۵). در سال ۱۳۵۸ عزیز با عموی دیگرش علی‌مراد گاوکش به کوه مله رفته است. وی به تنهایی وارد غار شده و دو قندان چوبی و شیشه‌ای و یک طناب با الیاف خشک آغشته به موم یافت (همان: ۳۸ و ۳۷). بدین ترتیب تالار اول در سال ۱۳۵۸، کشف شد که بنابر ادعای عزیز گاوکش در این تالار به جز اشیای مزبور چیز دیگری یافت نشده است (همان: ۳۹).

در مرداد ۱۳۶۷ عبدالرضا گاوکش عموزاده عزیز موفق به کشف تالار دوم شده است (همان: ۴۲) و سرانجام در شهریور ۱۳۶۸ عزیز و عبدالرضا تقریباً هر چهار تالار غار را در حدود ۷۲۸ متر در نوردیدند و به بخشی از اشیای سیمین و یک صورتک زرین دست یافتند (همان: ۴۵). با آشکارشدن محل اشیا، هجده بی‌وقفه طالبان گنجینه‌های افسانه‌ای به غار آغاز و تا سال ۱۳۷۲ تداوم یافت. در طی این دوران دو هیئت

گاو، او را بر دوش حمل کرده به غاری که زیست‌گاهش بود می‌برد. گاو فرار کرده، میترا با کمک کلاغ، گاو را یافته و در غار قربانی می‌کند (کومن، ۱۳۸۰: ۱۳۷؛ رضی، ۱۳۵۹: ۶۳ - ۶۲). طبق اسطوره‌های ایرانی مهر از آذرخشی بر بلندای کوه البرز زاده می‌شود. تقدس کوه و غار در اغلب باورهای کهن وجود دارد. از این رو سنت ستایش مهر بر فراز کوه در غارهای طبیعی کوهستانی پدیدار شد. این سنت حتی در رم نیز به همان شکل شرقی خود، رواج یافت، کما این که حتی المقدور مراسم تشریف به آئین مهر، در غارهای طبیعی و در غیر این صورت در معابد غارگونه شبیه به غارهای طبیعی انجام می‌شد (همان: ۷۷؛ همان: ۳۲۰ و ۳۱۵ و ۳۱۴)، (تصویر ۳).



تصویر ۳. دهانه غار کلمارک. مأخذ: Tasnimnews.com

وجه تسمیه کلمارک

بررسی علمی واژه کلمارک به عنوان یک نام جغرافیایی (Toponym) مستلزم اتخاذ روش تحقیق در حوزه توپونیمی است.^۳ که به دو روش دیاکرونیک (Diachronic) در زمانی و عمودی - با بهره‌مندی از علوم تاریخ و باستان‌شناسی و سینکرونیک (Synchronic) - هم‌زمانی و افقی - با بهره‌مندی از علوم جغرافیا و جامعه‌شناسی میسر است. بنابراین بررسی نام جغرافیایی کلمارک و وجه تسمیه آن بر سه پایه علوم زبان‌شناسی، جغرافیا و تاریخ استوار است (رک: رفاهی، ۱۳۸۰: ۵۰ و ۴۹).

متأسفانه جملگی پژوهشگران به استثنای بیرانوندی، بدون تأمل در خصوص واژه کلمارک و چگونگی پیدایش آن فقط به وجه تسمیه آن توجه کرده‌اند. البته بیرانوندی نیز تحت تأثیر عزیز گاوکش در خصوص نام کلمارک می‌نویسد: «واژه کلمارک خاص این غار است و برای اولین بار در تاریخ و ادبیات لرستان نمود می‌یابد. این عنوان صرفاً توسط کشف‌کنندگان

پایان یافتن سلسله ایلام در سال ۶۶۴ ق. م، برای محفوظ ماندن گنجینه اجدادیش از تناول آشوریان مهاجم، آن را به غار صعب‌العبور کلمارک منتقل و پنهان کرده است (پرهام، ۱۳۹۲: ۱۱۸ و بیرانوندی، ۱۳۹۱: ۸۴؛ پرهام، ۱۳۹۲: ۱۱۸ و ۱۱۲؛ خسروی).

خسروی در اثبات فرضیه‌اش می‌نویسد: «براساس شواهد موجود چندین نفر را به عنوان نگهبان گنجینه در آنجا قرار داده بودند که شاهد این ادعا پایه‌های یک برج دیده‌بانی در بالای کوه مشرف به غار است. اما بعد همین نگهبانان که تعداد آنان ۱۲ نفر بوده به دلیل نامعلوم همگی کشته شده و در دهانه غار دفن می‌شوند» (خسروی، ۱۳۹۲: ۲۰۴)؟! البته پرهام در نقدی عالمانه این روایت را ماهیتاً افسانه و خیال‌بافی باستان‌شناختی قلمداد کرده است (پرهام، ۱۳۹۲: ۱۱۲). علی‌الرغم اختلاف نظر پژوهشگران در خصوص چگونگی و زمان انتقال اشیاء به کلمارک در نیمه اول قرن ۷ ق. م. یا نیمه دوم قرن ۴ ق. م. جملگی بر کاربری کلمارک به عنوان محل اختفای گنجینه اتفاق نظر دارند.

شاخصه‌های مهرآئینی کلمارک

بررسی نمادها و شاخصه‌های آئین مهر در جغرافیای آئینی ایران باستان، کنشی بسیار دشوار است، زیرا اثبات مهرآئینی بودن برخی غارها و سازه‌ها به یکی از چالش‌های اساسی فراروی باستان‌شناسان تبدیل شده است. بی‌شک غار کلمارک نیز از این نگره مستثنی نخواهد بود. همان‌گونه که قبلاً بدان اشارت رفت، در میان پژوهشگران به جز حسین غضنفری، دیگران کلمارک را محل اختفای گنجینه اربابان قدرت سیاسی فرض کرده‌اند اما حسین غضنفری در انگاره‌ای کم‌فروغ و خیالی، کلمارک را دارای کارکردی آئینی و شاید مهری معرفی کرده است. وی بعد از دیدن تالار دوم کلمارک می‌نویسد «نگرش به چنین وضعیتی، سرگذشت حیرت‌آور مهردینان را مجسم کرد. این تجسم با کاربرد خیالی و متصور برای سطح تراز شده بر فراز صخره پلکانی و پس‌نشسته شرق دهانه غار نیز به این ذهنیت دامن زده و این گمان قوت می‌گرفت که افراد گروه یکی از غریب‌ترین اماکن مقدس تاریخ را درمی‌نوردند» (غضنفری، ۱۳۶۸: ۵).

به نظر می‌رسد جهت ارائه فرضیه کارکرد آئینی کلمارک بهتر است شاخصه‌های مربوط به نیایشگاه مهر کلمارک مورد بررسی قرار گیرد.

نقش غار در آئین مهر

غار در جغرافیای دینی آئین مهر جایگاه ویژه‌ای دارد (لاوانی، ۱۳۸۵: ۳۱۳) زیرا بنابر اساطیر مهری، میترا بعد از غلبه بر

و حیوانات^۵ از یک سو و نام‌های جغرافیایی مأخوذ از مفاهیم اسطوره‌ای^۶ و آیینی^۷ از سوی دیگر است (همان: ۱۵۷ و ۱۵۳ و ۱۴۸ و ۱۴۶). بنابراین می‌توان چنین استنتاج کرد که واژگان کل و کره علاوه بر معانی بزرگ و درخت انجیر دارای مفاهیمی نمادین، اسطوره‌ای و آیینی بوده‌اند (تصویر ۴). پیشینه جایگاه آئینی بزرگ، به دیرینگی خط تصویری است. بیش از ۹۰٪ نقوش سنگ‌نگاره‌های ایران بزرگ بوده است. بیشترین انگیزه ایجاد نقوش بزرگ منبعت از آموزه‌های دینی بوده است. کما این که مکان‌های دارای سنگ‌نگاره‌های بزرگ مقدس محسوب شده‌اند (محمدی‌فرد، ۱۳۸۶: ۱۳۳ و ۱۳۲). بزرگ در آیین مهر از جایگاه والای آتش و در مقام و هم‌ردیف آفتاب قرار دارد (رضی، ۱۳۸۵: ۲/۱۹). با گسترش پرستش خورشید، بزرگ در فلات ایران و به ویژه در لرستان، حیوان خورشید نام گرفت. «بختورتاش» نیز ضمن پژوهشی ژرف در خصوص بزرگ بدین نتیجه نایل شده که کل نمادی از گردونه مهر است (بختورتاش، ۱۳۸۰: ۱۴۰). «ریچارد فرای» نیز بزکوهی را نمادی از ایزد یا فرشته مهر در ایران می‌داند (فرای، ۱۳۸۵: ۲۵۰). درخت انجیر نیز مانند کل، در آیین مهر از حرمت خاصی برخوردار است. بنابر اساطیر مهری، چون میترا برهنه از صخره زاینده متولد شد. در برابر وزش بادهای سخت قرار گرفت. به همین جهت در پناه شاخ و برگ درخت انجیر پناه گرفت و از میوه درخت تناول کرد و نیرومند شد. همچنین از برگ‌های آن تن‌پوشی فراهم ساخت (کومن، ۱۳۸۰: ۱۳۴؛ رضی، ۱۳۵۹: ۶۲). بنابراین می‌توان چنین استنتاج کرد که مفهوم آئینی و اسطوره‌ای نام جغرافیایی کلماکره در پیوند تنگاتنگی با آیین مهر قرار دارد.



تصویر ۴. بزکوهی. مأخذ: www.yjc.ir

پیشینه آیینی پل دختر

جهت بررسی پیشینه آیینی کلماکره می‌بایست پیشینه آیینی

غار و شکارچینی که در آن‌جا موفق به کشتن شکار خود شده‌اند و نیز گفتار مردم روستاهای نزدیک غار مورد استفاده قرار گرفته است» (بیرانوندی، ۱۳۹۱: ۱۳). اساساً ماهیت هر نام جغرافیایی در پیوندی تنگاتنگ با عنصر زمان مفهوم می‌یابد. از این‌رو نام‌های جغرافیایی را از لحاظ تاریخی به سه دسته تقسیم کرده‌اند: نام‌های جغرافیایی کهن paleo Toponym، میانه meso Toponym و جدید Neo Toponym (رفاهی، ۱۳۸۰: ۴۸ و ۴۷). مهم‌ترین عامل در این تقسیم‌بندی همانا توجه به پیچیدگی و سادگی اجزای مفهوم نام جغرافیایی است. به عبارتی هرچه اجزاء و مفهوم نام جغرافیایی کهن‌تر، پیچیده‌تر و هرچه جدیدتر، ساده‌تر خواهد بود. از این‌رو به نظر می‌رسد که نام جغرافیایی کلماکره به واسطه پیچیدگی اجزاء و مفهوم، جزو نام‌های جغرافیایی کهن باشد. کما این که بنابر گزارش عزیز گاوکش، عموی قنبر گاوکش در سال ۱۳۵۰ حسن شکار به او گفته بود: «این سوراخ کلماکره است» (بیرانوندی، ۱۳۹۱: ۳۲). بعید به نظر می‌رسد که واژه پیچیده و منحوت - تراشیده شده - کلماکره که نشان از دیرینگی آن دارد، به ناگاه بر زبان یک شکارچی محلی جاری شود، مگر آن که این واژه به صورت اسرار آئینی در حافظه تاریخی تیره گاوکش مستقر بوده باشد. در خصوص وجه تسمیه کلماکره دو فرضیه موجود است. برخی کلماکره را مأخوذ از دو کلمه کما و کره می‌دانند (معمدی، ۱۳۷۲: ۱۵). کما به معنای مأودادن و کره به معنای درخت انجیر کوهی است (یاوریان، ۱۳۸۵: ۵۷۲؛ عسگری عالم، ۱۳۸۴: ۲۲۱). بنابراین کلماکره به معنای جایگاه‌دادن و درخت انجیر است. البته برخی کما را به معنای غار در نظر گرفته و کلماکره را غار درخت انجیر معنا کرده‌اند (معمدی، ۱۳۷۲: ۱۵؛ ایزدپناه، ۱۳۷۶: ۱۰۴ و ۳).

باورمندان فرضیه دوم، کلماکره را بزرگ واژه ترکیبی از سه اسم «کل» به معنای نرینه بز کوهی، «ما»، منحوت مان به معنای جایگاه و مأوا و «کره» به معنای درخت انجیر کوهی می‌دانند. از این منظر کلماکره معنای توصیفی غاری است که جایگاه کل است و بر دهانه آن کره روییده است (بیرانوندی، ۱۳۹۱: ۱۱۳؛ خسروی، ۱۳۹۲: ۸؛ پرهام، ۱۳۹۲: ۱۱۲). اگرچه این معنای توصیفی در مطابقت با شکل دهانه غار هم‌پوشانی کامل دارد اما به نظر می‌رسد جهت انکشاف مفهوم کلماکره و تأویل آن، می‌بایست این نام جغرافیایی را از منظر عناصر تشکیل دهنده آن بررسی کرد.

به طور کلی نام‌های جغرافیایی در نگره عناصر تشکیل دهنده به یازده گروه تقسیم می‌شوند (رک: رفاهی، ۱۳۸۰: ۱۵۸ و ۱۴۵). پیچیدگی مفهومی اجزای نام جغرافیایی کلماکره به گونه‌ای است که شامل نام‌های جغرافیایی مأخوذ از درختان^۴



تصویر ۵. منطقه پلدختر در ۵ کیلومتری شرق کلماکره. مأخذ: tasnimnews.com

(قلقشندی، ۱۳۶۸: ۴/۱۹۸۷).

بدین‌سان با توجه به معنی واژه مهرگان کده و پیشینه آیینی این منطقه در هم‌گرایی با مسیحیت به عنوان تداوم آیین مهر در قرن ۵ م؛ می‌توان به جستجوی نمادهای آیین مهر در مهرگان کده پرداخت. لازم به یادآوری است که در کنار یا حوالی معابد مهر که اختصاصاً به مردان تعلق داشته؛ معابد اناهیتا نیز با کارکردی کاملاً زنانه بر پا می‌شده است (جوادی، ۱۳۸۶: ۱۴؛ کومن، ۱۳۸۰: ۱۷۷؛ معتمدی، ۱۳۷۲: ۱۰). از جمله معابد مهری اطراف کلماکره می‌توان به غار مصنوعی گوکان - کیلومتر ۸ جاده خرم‌آباد به کرمانشاه در منطقه بالاگریوه - اشاره کرد (غضنفری، ۱۳۶۷؛ ایزدپناه، ۱۳۷۶). البته تاکنون هیچ نشانه‌ای مبنی بر وجود اناهیتا در اطراف گوکان گزارش نشده است. در حالی که در ۶ کیلومتری غرب کوه مله و غار کلماکره، نمونه جالبی از معبد مهر در قلعه کهزاد و معبد اناهیتا خارج از قلعه در کوه ویزنهار وجود دارد (معتمدی، ۱۳۷۱: ۹)؛ در فرهنگ جغرافیایی کوه‌های کشور (۱۳۷۹: ۲/۲۴۶ و ۲۵۱)، به نظر می‌رسد وجود معابد مهر و اناهیتا در کوه ویزنهار می‌تواند به آشکارشدن رابطه پل دختر و کلماکره کمک شایانی می‌کند.

نام کامل پل دختر، پل کر و دختر است. در وجه تسمیه غیرعلمی کر و دختر به افسانه پسر و دختر دلدادگی در دو طرف رود کشکان اشاره شده است که سرانجام بنا به دستور پادشاه جهت رسیدن دو دلدادگی به هم، پلی ساخته شده است. از این رو پل را کر و دختر یا پسر و دختر نامیدند (ایزدپناه، ۱۳۶۷: ۲/۳۵). در طول زمان واژه کر-پسر از نام پل حذف شد. از این رو به پل دختر معروف شد و از سوی اغلب پژوهشگران نیایشگاه اناهیتا تلقی شد. از جمله دلایل ایشان نام دختر و معنای رود کشکان مأخوذ از واژه کیژ است که در زبان کردی به معنای دختر است که در گذشته بیشتر با عنوان رود کژکی - رود دختر - معروف بوده است (ساک،

منطقه پلدختر که در ۵ کیلومتری شرق کلماکره واقع است، مورد بررسی قرار گیرد تا شاخصه‌های جغرافیایی تاریخی آیینی منطقه آشکار شود (تصویر ۵).

در گذر ایام این منطقه به ماداکتو - دومین پایتخت ایلام در حوالی دره شهر کنونی و سیمره برگرفته از ساماتوره - مرکز مهرجان قذق دوران اسلامی - معروف بوده است (بشاش، ۱۳۷۸: ۸؛ بیات، ۱۳۶۷: ۴۲).

از بودا در ارتباط با درخت انجیر تندیس و نقش برجسته‌های زیادی برجای مانده است. اما تصویر مهر با درخت سرو یا کاج در مهرابه‌های اروپایی فراوان یافت می‌شود که مسیحیان بر این باور هستند مهر از میان سرو زاده شده است (جوادی، ۱۳۹۶).

«یاقوت» وجه تسمیه مهرجان قذق را شامل سه جزء مهر به معنای خورشید، محبت و شفقت؛ جان به معنای روح و قذق مأخوذ از نام «مردی» قلمداد کرده است (یاقوت، ۱۹۶۵: ۴/۶۹۸). گذشته از سهو یاقوت در خصوص معنای جان و قذق می‌توان گفت که معنای مهر کاملاً با مشخصه‌های میترا همسو است. قدامه بن جعفر مهرجان قذق را مهرگان کده هم ضبط کرده است (قدامه بن جعفر، ۱۳۷۰) کده مأخوذ از کته kata واژه‌ای اوستایی که به عنوان اسم مکان به صورت پسوند در زمان فارسی باقی مانده است (رضی، ۱۵۹۷: ۱۳۸۱ و ۱۵۹۸). کسروی مهرگان را جایگاه پرستش مهر می‌داند (کسروی، ۱۳۷۸: ۲۴۳) بنابراین مهرگان کده را می‌توان سرزمین پرستش مهر یا جایگاه مهری‌ها معنا کرد. به نظر می‌رسد این نام در دوران اشکانیان بر این سرزمین اطلاق شده باشد. «موسی خورنی» در قرن پنجم میلادی مهرگان کتک را جزو کوست خور بر آن قلمداد کرده است (مارکوارت، ۱۳۷۳: ۳۷). همچنین گزارش‌هایی از نفوذ مسیحیت در نیمه دوم قرن پنجم میلادی در این منطقه در دست است (همان: ۴۹).

مهرگان قذق در سال ۱۷ق. بعد از پیمان صلح هرمزان که خود از اهالی مهرجان قذق بود، با عتیقه بن غزوان به صلح فتح شد (بلادری، ۱۳۶۷: ۴۳۳ و ۵۳۰؛ طبری، ۱۳۷۵: ۱۸۸۳ و ۱۸۸۵ و ۵/۱۹۰۲).

مهرجان قذق در نیمه دوم قرن اول هجری، به روزگار حجاج مرکز خوارج از ازارقه شد (مسعودی، ۱۳۹۰: ۲/۱۳۳). در دوران اسلامی سیمره مرکز ولایت مهرجان قذق بود (ابن‌خرداد به، ۱۳۷۱: ۳۵؛ ابن‌رسته، ۱۳۶۵: ۱۲۲؛ قدامه بن جعفر، ۱۳۷۰: ۱۴۳؛ یعقوبی، ۱۳۸۱: ۳۶؛ مقدسی، ۱۳۶۱: ۲/۵۸۸). بنابر گزارش حمدالله مستوفی سیمره در قرن هشتم رو به ویرانی نهاد (مستوفی، ۱۳۶۲: ۷۱) علی‌رغم وجود نام سیمره، نام مهرجان قذق از قرن نهم رو به فراموشی نهاده شد

را برهنه، دست و چشم بسته از دهلیزهای تاریک عبور می‌دادند و ناگهان به میان آب می‌افکندند. سپس یکی از مهر یاران، با شمشیر دست و چشم سالک غوطه‌ور در آب را باز می‌کرد (کومن، ۱۳۸۰؛ رضی، ۱۳۵۹). مراسم غسل همراه با آزمون‌های دشوار و گذار از دهلیزهای خم اندر خم و پیچ اندر پیچ به شکل شگفت‌انگیزی با گذار از تالار اول به تالار دوم کلمارک همسویی دارد. معمولاً در غارهای طبیعی مهری از صخره به جای پیکره گاوکشی مهر استفاده می‌شده است (لاوانی، ۱۳۸۵). وجود چندین صخره شگفت‌انگیز ناشی از استلاگمیت در تالارها به ویژه تالار دوم، می‌تواند نمادی از گاوکشی در غار کلمارک باشد (تصویر ۶).

کارکرد آیینی اشیای کلمارک

از مجموع ۱۱۷ شی سیمین و زرین کلمارک شامل ظروف، جام‌ها و زیرجامی‌ها، لیوان‌ها، مشربه‌های لوله‌دار، آمفوراها، ریتون‌ها، مجسمه‌های انسانی و حیوانی، ظروف مجسمه‌ای جانوران و صورتک‌ها که توسط خسروی فهرست شده است؛ حدود ۹۰ شی با کارکرد آیینی - تشریفاتی معرفی شده است (خسروی، ۱۳۹۲). در میان حیواناتی که نماد مهر بوده‌اند، علاوه بر کل می‌توان به شیر، گاو نر و عقاب اشاره کرد (رضی، ۱۳۵۹؛ فرای، ۱۳۸۵). در میان اشیای فهرست‌شده کلمارک، ۱۳ بزکل، ۸ گاو نر و ۲ عقاب وجود دارد (خسروی، ۱۳۹۳) (تصویر ۷). در میان اشیای موجود پیکره مجوف غلبه شیر بر گاو نر - مشابه نقش برجسته پلکان شرقی آپادانا در تخت جمشید (همان: ۶۷) کاملاً تداعی‌کننده گاوکشی در آیین مهر است. حضور مردانه در شاكلة دیویزدان و سرباز کماندار (همان: ۹۳) در کنار فقدان هرگونه مجسمه انسانی یا نمادی از آناهیتا و سایر الهه‌ها، می‌تواند دلیل دیگری بر مهرابه‌بودن کلمارک باشد.

در میان اشیای کلمارک، ۱۰ صورتک زرین و سه لب موجود است. کابلی و خسروی که از نزدیک صورتک‌ها را بررسی کرده‌اند؛ معتقدند که صورتک‌ها بر روی مجسمه‌های چوبی نصب بوده است (کابلی، ۱۳۷۰: ۳۰؛ خسروی، ۱۳۹۲: ۱۴۷). خسروی کاربرد صورتک‌ها را به آیین پر رمز و راز میترا نسبت داده می‌نویسد: «مهر دین‌ها در روز تولد مهر با صورتک‌هایی از جانوران در آیین همگانی شرکت می‌کردند» (خسروی، ۱۳۹۳: ۱۶۰). به نظر می‌رسد وجود این نقاب‌ها در کلمارک به دومین مرحله سلوک یعنی مستوران مربوط می‌شده است که در این مرحله جوانان مهری با نقاب در مراسم حاضر می‌شدند (رضی، ۱۳۵۹: ۱۰۲).

به نظر می‌رسد آیین بالماسکه که در غرب رایج است از رسوم مهری باشد زیرا به مدت ۵ قرن آیین میترا در سراسر

۱۳۴۳: ۱۷۹؛ باستانی‌پاریزی، ۱۳۷۵؛ گویری، ۱۳۷۹؛ هزار، ۱۳۷۶). البته برخی نیز مانند غضنفری با تکیه بر نام کامل پل کر و دختر آن را منسوب به معبد مهر و محل نذورات آن قلمداد کرده‌اند (غضنفری، ۱۳۷۶).

به نظر می‌رسد علت حذف نام کر- پسر- همان وجود کلمارک به عنوان مهرابه بوده است در واقع کلمارک به عنوان مهرابه در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند.

جغرافیای آیینی کلمارک

در خصوص جغرافیای آیینی پیرامون کلمارک، علاوه بر رود کشکان و پل دختر در فرو دست کلمارک، به بقعه‌های بابا زید در ۸ کیلومتری شمال پل دختر، مزاربابا خوارزم^۸ و گستردگی تیره گاوکش از روستای گاوکش تا روستای خشک و بی‌آب و علف دره‌باغ که غضنفری از آن با نام «دره‌باغ» یاد کرده، می‌توان اشاره کرد (ایزدپناه، ۱۳۶۷: ۴۲؛ غضنفری، ۱۳۷۱: ۳؛ معتمدی، ۱۳۷۲: ۵؛ پرویز، ۱۳۸۵: ۱۱۱).

هفت‌کنی

نزدیک‌ترین نماد مهر و ناهید به کلمارک، هفت‌کنی در قسمت فوقانی تنگه‌ای است که غار کلمارک در سطح شرقی آن قرار دارد. هفت‌کنی جزو اراضی پهناوری با پوشش گیاهی انبوه با چند چشمه آب در بالای کوه مله است. غضنفری عدد هفت و واژه کنی (چشمه) را از نمادهای مهری در فرا دست کلمارک می‌داند (غضنفری، ۱۳۶۸: ۵ و ۲۸). البته اگر کنی به معنای دختر لحاظ شود، هفت‌کنی را می‌توان نزدیک‌ترین نماد آناهیتا به کلمارک تلقی کرد.

نمادهای مهر آیینی غار کلمارک

بررسی نمادهای مهرآیینی در غار کلمارک به واسطه حفاری‌های غیرمجاز که علاوه بر تخریب اسناد و مدارک تاریخی، محیط غار طبیعی غارآهکی را خدشه‌دار کرد، بسیار دشوار است. محوطه اولیه غار توسط قاچاقچیان کاملاً تخریب شده است (معتمدی، ۱۳۷۲). ورود از تالار اول به تالار دوم از طریق یک دهلیز میسر است. تالار دوم ۱۵ متر از سطح دهانه غار پایین‌تر است. به همین دلیل برخلاف تالارهای دیگر از رطوبت کمتری برخوردار و قابل سکونت است (همان) وسعت این تالار ۷۴۰ مترمربع و دارای ارتفاع بین ۸ تا ۱۵ متر است. غضنفری تالار دوم را مکانی متمایز، مهم و شگفت‌آور با نمادهای طبیعی از جمله وجود چندین آبچال می‌داند (غضنفری، ۱۳۶۸).

وجود آب به صورت چشمه یا آبچال در غارهای مهری جهت غسل ضروری بوده است. زیرا در مراحل سلوک، مهردینان



تصویر ۸. نقاب‌های یافت شده در غار کلماکره. مأخذ: Tripyor.com

در میان اشیای کلماکره، نقش‌رجسته‌ای بر لوح سیمین به همین شکل یافت شده است (همان: ۱۱۷) به نظر می‌رسد این اثر والای هنری را باید مهم‌ترین مؤلفه هویت‌بخش مهرابه کلماکره تلقی کرد.

نتیجه‌گیری

این غار به علت ویژگی‌های جغرافیایی طبیعی شامل مؤلفه‌های مهرآیینی: کوه صخره‌ای، درخت انجیر بر دهانه غار و آب که تداعی‌کننده میلاد مهر است، کلماکره نامیده شد.

از این‌رو کلماکره صعب‌العبور آهکی نه چندان مناسب جهت زیست، به یکی از مهم‌ترین مهرابه‌های آیین میترا در نیمه دوم هزاره اول ق.م، تبدیل شد. حجم وسیع و تنوع و ظرافت هنری نذورات آیینی شده به مهرابه کلماکره، نه تنها باعث تعالی هنر آیینی در قرون بعدی شد؛ بلکه موجب گسترش آیین‌های مهر و آناهیتا در منطقه شد. کما اینکه هویت مهرآیینی منطقه در اعصار بعدی، در نام مهرگان کوه متجلی شد.

متأسفانه چگونگی افول مهرابه کلماکره روشن نیست. اما به نظر می‌رسد کلماکره احتمالاً در عصر اشکانی متقارن با پیدایش پل کر و دختر معابد مهر و آناهیتا در «کوه ویزنهار» اندک‌اندک متروک شده باشد. البته حرکت این مهرابه متروک طی قرون و اعصار متمادی (حداقل ۱۳۵۳ ش.) توسط باورمندان مهرآیین بومی از جمله طایفه گاوکش، محفوظ ماند تا حریم اسرارآمیز کلماکره از هر تطاول و گزند مصون باشد.

پی‌نوشت‌ها

*. مقاله حاضر برگرفته از کارگاه نظریه‌های نو با موضوع «رهیافتی بر کارکرد آیینی غار کلماکره» است که به سخنرانی نگارنده در سال ۱۳۹۷ در پژوهشکده نظر برگزار شد.

۱. جهت اثبات این فرضیه به جستار وجه تسمیه کلماکره رجوع کنید.
۲. درخصوص انگاره حسین غضنفری ر. ک: میحث شاخصه‌های مهر آیینی کلماکره
۳. توپونیمی toponymy
۴. فیتو توپونیم phyto toponym



تصویر ۶. فضای داخلی غار کلماکره پلدختر. مأخذ: Tasnimnews.com



تصویر ۷. آب افشان، ریتون حیوانی یا آب پاش مقدس. مأخذ: Safarnevis.com

امپراطوری روم بر جای بوده و رسوم آن تا قرن‌ها بعد و تاکنون نیز دگردیسی کرده و در رسوم مسیحی نیز برجاست (جوادی، ۱۳۹۶) (تصویر ۸).

بنابر گزارش کابلی، یکی از آثار به شدت آسیب‌دیده، دو بز کوهی بالدار سیمین مجوف به اندازه طبیعی است. این دو بز کل روبروی هم ایستاده و دست‌ها را بلند کرده و به همان رسم باستانی به پاسداری از درخت مقدس زندگی ایستاده‌اند (کابلی، ۱۳۷۰: ۳۰).

پرهام که موفق به رؤیت بخشی از این اثر آسیب دیده شده، یادآور می‌شود که یکی از بزها کاملاً قطعه قطعه شده و تنها ران مجوف آن به اندازه ران گوسفند درشت پیکر سالم بوده است (پرهام، ۱۳۹۲). بنابر ادعای عزیز گاوکش، نقش‌برجسته‌ای به همین شکل و ابعاد در کلماکره بر روی سنگ منقور بوده که توسط اهالی کاملاً تخریب شده است (بیرانوندی، ۱۳۹۱: ۳۱).

پرهام این اثر سیمین را مهم‌ترین و گرانقدرترین اثر کلماکره نامیده است. وی این اثر را در تاریخ ده هزار ساله تاریخ ایران یکتا و بی‌بدیل می‌داند (پرهام، ۱۳۹۲: ۱۱۶).

۵. زوو توپونیم zoo toponym

۶. میتو توپونیم mytho toponym

۷. تئو توپونیم theo toponym

۸. در خصوص باباهای پیشوایان مذهبی اهل حق و تداوم آیین مهر در یارسان.

۹. معتمدی در خصوص رطوبت و گرمای غار می‌نویسد در ۲۰ تیر ۱۳۷۱، گرمای هوا در غار بین ۳۳ تا ۳۹ درجه و رطوبت به جز تالار دوم در حدود ۷۵ درصد بوده است.

فهرست منابع

- کشور.
- ساکی، علی محمد. (۱۳۴۳). *جغرافیای تاریخی و تاریخ لرستان*، خرم‌آباد: کتابفروشی محمدی خرم‌آباد.
 - طبری، محمدبن جریر. (۱۳۷۵). *الرسل و الملوک*، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، تهران: اساطیر.
 - عسگری عالم، علیمردان. (۱۳۸۴). *فرهنگ واژگان لری و لکی*، خرم‌آباد: افلاک.
 - غضنفری، حسین. (۱۳۶۸). *غار کلماکر، نشریه اثر: ۲۲*.
 - غضنفری، حسین. (۱۳۷۶). *لرستان در گذر تاریخ*، تهران: میراث فرهنگی.
 - فرای، ریچارد. (۱۳۸۵). «*میترا در باستان‌شناسی*»، مهر در جهان باستان، ترجمه: مرتضی ثاقب‌فر، تهران: توس.
 - فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های کشور. (۱۳۷۵). تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ج ۳۵.
 - فرهنگ جغرافیایی کوه‌های کشور. (۱۳۷۹). تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
 - قدامه بن جعفر. (۱۳۷۰). *کتاب الخراج*، ترجمه: حسین قره‌چانلو، تهران: نشر البرز.
 - قلقشندی، احمدبن علی. (۱۳۶۸). *صبح‌الاعشی فی صناعه الانشاء*، شرحه و علق و قابل نصوص، محمدحسین شمس‌الدین، بیروت: دارالکتب العمیه، ج ۴.
 - کابلی، میرعابدین. (۱۳۷۰). بررسی آثار پیش از اسلام در مجموعه بازیافته، میراث فرهنگی، (۳): ۴۰۳.
 - کسروی، احمد. (۱۳۷۸). *نام‌های شهرها و دیه‌های ایران*، به کوشش عزیزالله عزیززاده، تهران: فردوس.
 - کومن، فرانس. (۱۳۸۰). *آیین پر رمز و راز میترا*، ترجمه و پژوهش: هاشم رضی، تهران: بهجت.
 - گویری، سوزان. (۱۳۷۹). *آناهیتا در اسطوره‌های ایرانی*، تهران: جمال الحق.
 - لاوانی، هانری. (۱۳۸۵). «*اهمیت غار در مهرپرستی غرب*» دین مهر در جهان باستان، ترجمه: مرتضی ثاقب فر، تهران: توس.
 - مارکوارت، یوزف. (۱۳۷۳). *ایرانشهر بر مبنای جغرافیای موسی خورنی*، ترجمه: مریم میراحمدی، تهران: اطلاعات.
 - محمدی فرد، داوود. (۱۳۸۶). *فرهنگ کوهنوردی و غارنوردی ایران*، تهران: سبزان.
 - مستوفی، حمدالله. (۱۳۶۲). *نزهت‌القلوب*، به سعی و اهتمام گای سترنج، تهران: دنیای کتاب.
 - مسعودی، علی بن حسین. (۱۳۹۰). *مروج‌الذهب*، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، تهران: علمی و فرهنگی.
 - معتمدی، نصرت‌الله. (۱۳۷۲). «*گزارش حفاری غار کلماکره*»، میراث فرهنگی، ۴ (۱۰): ۱۰.
 - مقدسی، محمدبن احمد. (۱۳۶۱). *احسن‌التقسیم فی معرفه الاقالیم*،
 - ابن خردادبه. (۱۳۷۱). *المسالك و الممالک*، ترجمه: سعید خاکرند، تهران: تاریخ میراث ملل.
 - ابن‌رسته. (۱۳۶۵). *اعلاق‌النفیسه*، ترجمه: حسین قره‌چانلو، تهران: امیرکبیر.
 - ایزدپناه، حمید. (۱۳۶۷). *لرستان در گذرگاه زمان و تاریخ*، تهران: اساطیر.
 - ایزدپناه، حمید. (۱۳۷۶). *آثار باستانی و تاریخی لرستان*، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
 - باستانی پاریزی، ابراهیم. (۱۳۷۵). *خاتون هفت قلعه*، تهران: روزبهان.
 - بختور تاش، (۱۳۸۰). نشان رازآمیز، تهران: نشر نقره.
 - بشاش، کنزق، رسول. (۱۳۷۸). *قرائت کتیبه‌های ظروف منسوب به غار کلماکره*، تهران: سازمان میراث فرهنگی.
 - بلاذری، احمدبن یحیی. (۱۳۶۷). *فتوح البلدان*، ترجمه: محمد توکل، تهران: نشر نقره.
 - بیات، عزیزالله. (۱۳۶۷). *کلیات جغرافیای طبیعی و تاریخی ایران*، تهران: امیرکبیر.
 - بیرانوندی، حسین. (۱۳۹۱). *کلماکره، مغاری از گنجینه‌های باستانی لرستان*، خرم‌آباد: شاپور خواست.
 - پرویز، احمد. (۱۳۸۵). *معرفی ظروف نقره‌ای طلاکوب مجموعه کلماکره*، همایش بین‌المللی باستان‌شناسی ایران، کرمانشاه: سازمان میراث فرهنگی.
 - پرهام، سیروس. (۱۳۹۲). *ناگفته‌های گنجینه باستانی غار کلماکره*، بخارا، (۱۵): ۹۳.
 - جوادی، شهره. (۱۳۸۶). *اماکن مقدس در ارتباط با طبیعت*. باغ نظر، (۴): ۸-۱۲-۲۲.
 - جوادی، شهره. (۱۳۹۶). *میزگرد مربوط به کارگاه نظریه‌های نو*، پژوهش‌شکده نظر.
 - خسروی، لیلا. (۱۳۹۲). *گنجینه غار کلماکره*، تهران: سازمان میراث فرهنگی.
 - خسروی، لیلا؛ موسوی کوهپیر، مهدی؛ نیستانی، جواد و هژبری نوبری، علیرضا. (۱۳۹۳). *تحلیل فرم و کاربردی صورتک‌های زرین کلماکره*، جامعه‌شناسی تاریخی، (۳): ۶.
 - رضی، هاشم. (۱۳۵۹). *آیین مهر میترا*، تهران: فروهر.
 - رضی، هاشم. (۱۳۸۱). *دانشنامه ایران باستان*، تهران: سخن، ج ۳.
 - رفاهی، فیروز. (۱۳۸۰). *مبانی توپونیمی*، تهران: سازمان نقشه‌برداری

- یاوریان، اکبر. (۱۳۸۵). *واژه‌نامه لری، خرم‌آباد: افلاک*.
- یعقوبی، ابن واضح. (۱۳۸۱). *البلدان، ترجمه: محمدابراهیم آیتی، تهران: علمی فرهنگی*.
- ترجمه: علی نقی فنرودی، تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان.
- هزار. (۱۳۷۶). *فرهنگی-فارسی، تهران: سروش*.
- یاقوت حموی. (۱۹۶۵). *معجم‌البلدان، تهران: منشورات مکتبه‌الاسدی*.

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author (s), with publication rights granted to the journal of art & civilization of the orient. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله

کلهر، محمد. (۱۳۹۷). رهیافتی بر کارکرد آیینی غار کلماکره. *مجله هنر و تمدن شرق*، ۶ (۳۲): ۳۱-۴۰

DOI:10.22034/jaco.2019.81921

URL: http://www.jaco-sj.com/article_67362.html

